

# گزارش بند و اشغالگری در عراق



تهیه کننده: مجمع جهانی سیاست،  
می ۲۰۰۷ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۶)  
مترجم: سینا مالکی



# فراصله فصل‌ها

## فصل اول: مقدمه

در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ (۲۹ اسفند ۱۳۸۱)، ایالات متحده و گروهی از هم‌پیمانانش به عراق حمله کردند. آنها برای این تهاجم، از شورای امنیت سازمان ملل، مجوزی دریافت نکرده بودند؛ این در حالی بود که بخش عمده‌ای از افکار عمومی جهان با چنین حمله‌ای، مخالف بود. دلایلی که در آن زمان برای این حمله برشمرده شد، وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق و ارتباط تنگاتنگ دولت این کشور با تروریست‌ها (مشخصاً القاعده) بود، اما شواهدی که پس از جنگ به دست آمد، نشان داد این ادعاها کاملاً بی‌اساس بوده‌اند.

بسیار این که رئیس‌جمهور ایالات متحده، جورج بوش در سخنرانی ۲ می ۲۰۰۳ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲)، گفت: «مأموریت تمام شده است» اما بیش از سه سال و نیم است که درگیری‌ها همچنان ادامه دارد. این جنگ، صدها هزار کشته و مجروح به جای گذاشته، بیش از سه میلیون نفر ناگزیر به ترک خانه‌های خود شده، چندین شهر عراق تخریب و صدها میلیارد دلار بر سر یک نبرد نظامی بی‌سرانجام هزینه شده است. [در اوایل فروردین ۱۳۸۶ اعلام شد که از سال ۲۰۰۳ تا کنون این جنگ، ۵ میلیون یتیم و فرزند بی‌سرپرست بر جای گذاشته است.]  
در این گزارش، برای شناسایی دقیق‌تر این بحران، خود مسئله جنگ به صورت جزئی مورد بررسی قرار گرفته و محور اصلی و تأکید بحث، حول مسئولیت نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا در عراق، براساس قوانین بین‌المللی است. علاوه بر آن، مسائل اقتصادی و سیاسی عراق نیز بررسی شده و با توجه به این مسائل، نیاز به انجام تغییرات فوری، همچون خروج نیروهای ائتلاف مورد بحث قرار گرفته است.

در این گزارش، همچنین مواردی چون ستیزه‌جویی، جوخه‌های مرگ و اعمال شبه‌نظامیان بررسی شده است. عوامل بسیاری موجب تحریک این نیروها شده، اما اغلب آنها از روش‌های نفرت‌انگیزی استفاده می‌کنند که سبب کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از شهروندان بی‌گناه عراقی می‌شود. با این همه، در خشونت‌های عراق مسئولیت این گروه‌ها هر چقدر هم که باشد، در نهایت، مسئولیت اصلی بر عهده نیروهای ائتلاف تحت رهبری امریکاست. باید توجه داشت اشغال عراق، زمینه‌ساز شکل‌گیری این گروه‌ها بوده است. سیاست‌های به کار گرفته شده توسط نیروهای ائتلاف، برخلاف آنچه در ابتدا ادعا می‌شد، نه تنها صلح، رفاه و دموکراسی برای عراقی‌ها به ارمغان نیاورده، بلکه در تمام این زمینه‌ها نتیجه‌ای معکوس داشته است.

مسئولیت نیروهای ائتلاف، با توجه به قطعنامه سازمان ملل پس از اشغال عراق، بیشتر می‌شود. باید این نیروها به معاهدات و قوانین بین‌المللی پای‌بند باشند و به ویژه باید اعمال خود را تحت نظارت شورای امنیت سازمان ملل به انجام رسانند. اگرچه شورای امنیت، قطعنامه مربوط به حمله نظامی به عراق را تصویب نکرد، اما چند ماه بعد، این شورا، در قطعنامه‌ای، نیروهای ائتلاف را به عنوان «نیروهای چندملیتی»

سازمان ملل (MNF) به رسمیت شناخت. در آن زمان، اعضای شورای امنیت امیدوار بودند که سازمان ملل، با این قطعنامه، در عراق «نقشی حیاتی» به عهده گیرد؛ منجر به بازگشت صلح به این کشور و زمینه‌ساز رعایت قوانین بین‌المللی شود؛ اما در عمل چنین هدفی میسر نشد. ایالات متحده، فقط برای سازمان ملل نقشی حاشیه‌ای قائل بود. انفجار کامیونی حاوی مواد منفجره در مقر سازمان ملل در شهر بغداد؛ ۱۹ اوت ۲۰۰۳ (۲۸ مرداد ۱۳۸۲)، که منجر به تخریب مقر این سازمان شد، حضور سازمان ملل در عراق را به‌طور گسترده‌ای کاهش داد. از آن زمان به بعد، سازمان ملل و شورای امنیت نقش نظارتی خود را در عراق از دست داده و عملاً نیز در شورا، حول این مسئله، بحثی پیگیری نشده است.

این درحالی است که هر هفته، گزارش‌های بیشتری از اوضاع آشفته عراق و شواهدی بیشتر، از نقض قوانین بین‌المللی و بحران گسترده انسانی در این کشور، به دست می‌رسد. افکار عمومی عراق به شدت خواهان خروج سریع نیروهای ائتلاف هستند. [تظاهرات میلیونی ۹ آوریل ۲۰۰۷، با طرح سه شعار علیه اشغال‌گری، تروریسم و تجزیه‌گری، به دعوت مقتدا صدر این نظرخواهی را تأیید می‌کنند.] آمریکایی‌ها نیز در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، نشان دادند با اشغال‌گری در عراق مخالفند. هر روز در واشنگتن و لندن، مقامات رسمی و فرماندهان نظامی بیشتری، ناراضی خود را از ادامه جنگ در عراق، ابراز می‌کنند. اما به دلیل جزمیت حاکم و موارد متعدد اخبار نادرست، برای عموم درک عمیقی از جنگ میسر نشده است. هدف از این گزارش، ارائه اطلاعاتی جدید برای بحث عمومی و نیز کمک به پایان یافتن این جنگ نفرت‌انگیز است.

## فصل دوم: نابودی میراث فرهنگی عراق

ایالات متحده و متحدینش، هشدارهای سازمان‌ها و اساتید مختلف درباره نگرانی از سرنوشت میراث فرهنگی عراق را نادیده گرفتند. این میراث از جمله شامل موزه‌ها، کتابخانه‌ها، مکان‌های باستانی و افتخارات ملی و... این کشور می‌شود. آتش ناشی از جنگ کتابخانه ملی عراق را سوزاند و موزه ملی این کشور به غارت رفت. غارتگران، بسیاری از آثار هنری و ساختمان‌های تاریخی عراق را چپاول کردند. ایالات متحده در محل باستانی بابل، پایگاه نظامی ساخته است. نیروهای ائتلاف، بسیاری از ساختمان‌ها و نواحی شهری تاریخی را نابود کرده یا به شدت تخریب کرده‌اند. این در حالی است که دزدان و غارتگران، هزاران مکان باستانی بدون حفاظت و در عین حال بی‌نظیر را چپاول کرده‌اند.

## فصل سوم: سلاح‌های زخم‌زا و غیرمتعارف

نیروهای ائتلاف، برخلاف معاهدات بین‌المللی، در حملات خود به‌طور گسترده‌ای از سلاح‌های غیرمتعارف و ضد نفر استفاده کرده‌اند. ایالات متحده، بارها در مناطق پرجمعیت، سلاح‌های آتش‌افروز و مهمات حاوی گاز فسفر را به کار برده است. نیروهای ائتلاف در حملات سال ۲۰۰۳، از بمب‌های خوشه‌ای و مهمات حاوی اورانیوم ضعیف نیز استفاده کرده‌اند. در تمامی این موارد، این نیروها، معاهدات بین‌المللی مبنی بر منع کاربرد سلاح‌های ضد نفر و غیرمتعارف

را نقض کرده‌اند.

### فصل چهارم: زندان‌ها و بازداشت

نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا و همکارانشان در دولت عراق، تعداد بسیار زیادی از شهروندان عراقی را تحت عنوان «بازداشت امنیتی» بی‌هیچ جرم یا داد گاهی، برخلاف نص صریح قوانین بین‌المللی در زندان نگاه داشته‌اند. هیچ شهروند عراقی از بازداشت‌های خودسرانه در امان نبوده و دائماً تعداد زندانی‌ها، در حال افزایش است. بیست و هشت هزار زندانی، بدون دسترسی به حقوق ابتدایی خود برای مدت‌های طولانی در شرایطی رقت‌بار نگاه داشته شده‌اند. فرماندهان نظامی ایالات متحده، از حضور بازرسان بین‌المللی صلیب سرخ در زندان‌ها جلوگیری می‌کنند، آن‌هم در حالی که هزاران عراقی بازداشت شده در زندان‌هایی به سر می‌برند که در آنها، ابتدایی‌ترین حقوق انسانی یک زندانی نقض می‌شود.

### فصل پنجم: شکنجه و آزار و اذیت زندانی‌ها

نیروهای ایالات متحده، بسیاری از زندانی‌های عراقی را مورد آزار و اذیت و شکنجه‌های مختلف قرار داده‌اند. در نتیجه این اعمال غیرانسانی صدها عراقی آسیب دیده‌اند و برخی نیز زیر این شکنجه‌ها جان باخته‌اند. در بسیاری از زندان‌های عراق شکنجه به صورتی متداول، اعمال می‌شود، از جمله این زندان‌ها می‌توان به زندان مرکزی عراق، ابوغریب، مراکز بازجویی مخفی و زندان‌های محلی اشاره نمود. مسئله مهم این است که ایالات متحده کاملاً از ابعاد وسیع شکنجه در زندان‌ها آگاه است.

### فصل ششم: حمله به شهرها

نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، به بهانه «حضور ستیزه‌جویان»، تعدادی از شهرهای مهم عراق را هدف حملات نظامی خود قرار داده‌اند. این حملات منجر به مهاجرت گسترده مردم، آسیب شدید شهروندان و تخریب وسیع زیرساخت‌های شهری شده است. علاوه بر فلوچه، چندین شهر دیگر از جمله، القیام- (Al-Qaim)، نعل غفر (Tal Afar)، سامرا (Samarra)، حدیسه (Haditha) و رمادی (Ramadi) نیز مورد تاخت و تاز نیروهای ائتلاف قرار گرفته‌اند. این حملات شامل بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی، قطع آب، برق و ارسال غذا و دارو بوده است. در این حملات صدها هزار نفر بی‌خانمان و همین تعداد، در اردوگاه آوارگان ساکن شده‌اند.

### فصل هفتم: کشتار شهروندان، قساوت و قتل عام

فرماندهان نظامی ایالات متحده، خودسرانه اقدام به تأسیس «قانون حق مداخله (Security Detention)» پیشگیرانه کرده و در نتیجه به سربازان خود اجازه می‌دهند با «نیروی کشنده» با هر تهدیدی که احساس می‌کنند برخورد کنند. به همین دلیل، ایالات متحده و نیروهای ائتلاف مرتباً شهروندان عراقی را در پست‌های بازرسی و در حین عملیات نظامی، با کوچکترین شک، به قتل می‌رسانند. نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، بسیاری از غیرنظامیان عراقی را در حین عملیات نظامی یا حملات هوایی کشته‌اند. در چنین محیطی، سرشار از خشونت‌های پیشگیرانه، برخی از سربازان نیز اقدام به کشتار بی‌دلیل مردم کرده‌اند و در مواردی همچون شهر حدیثه، مرتکب قساوت‌های تکان‌دهنده‌ای شده‌اند.

### فصل هشتم: تلفات و بی‌خانمانی

بر اساس آمارهای که به دست ما رسیده، تا مارس ۲۰۰۷ (اسفند ۸۵ و فروردین ۸۶)، ۱/۹ میلیون عراقی ناگزیر به ترک خانه‌های خود شده‌اند و حدود ۲ میلیون نفر نیز در کشورهای دیگر آواره هستند. دولت عراق، تخمین زده است که هر ماه نزدیک به ۵۰۰۰ نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود خواهند شد. حجم گسترده آوارگی و مشکل کمک‌رسانی به آوارگان، به گونه‌ای است که عملاً امداد بین‌المللی قادر به رسیدگی به آن نیست. در همین حال، تعداد بسیاری از

عراقی‌ها در جریان اشغالگری، جان خود را از دست داده‌اند و هر روز هم آمار مرگ و میر در این کشور به سرعت در حال افزایش است. علاوه بر کشته‌های ناشی از جنگ، نیروهای ائتلاف، بسیاری از شهروندان عراقی را به‌طور مستقیم به قتل رسانده‌اند. بسیاری از عراقی‌ها، در نتیجه نابودی سیستم مراقبت بهداشتی، خشونت‌های شبه‌نظامیان و عملیات جوخه‌های مرگ، جان خود را از دست داده‌اند. نتیجه آخرین بررسی انجام شده در زمینه آمار کشته‌ها، نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۳ تا کنون، در عراق بیش از نیم میلیون نفر جان خود را از دست داده‌اند.

### فصل نهم: فساد، تقلب و تخلف گسترده مالی

دارایی‌های عمومی عراق، تحت کنترل و نظارت مقامات ایالات متحده، در نتیجه فساد گسترده مالی و قاچاق نفت، در حال تاراج است و مجموعه این عوامل، منجر به ناتوانی دولت عراق در تأمین سرویس‌های حیاتی برای مردم و نیز بازسازی کشور شده است. میلیاردها دلار از هزینه‌های بازسازی عراق، ناپدید شده است. ایالات متحده و بریتانیا برای فرار از پاسخگویی، از فعالیت هیأت نظارتی سازمان ملل - که طبق قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت، مسئول نظارت بر مبادلات مالی در عراق هستند - جلوگیری می‌کنند. فساد مالی در عراق شامل دزدی، قراردادهای مخفیانه، باندبازی، اختلاس، اسراف، هدر دادن پول‌ها و ناکارآمدی قراردادهای منعقد شده است. اغلب پیمان‌کاران که اکثرشان از لحاظ سیاسی به دولت بوش نزدیک هستند، میلیاردها دلار سرمایه به جیب زده‌اند.

### فصل دهم: پایگاه‌های نظامی طولانی‌مدت و سفارتخانه جدید ایالات متحده

ایالات متحده چندین پایگاه نظامی گران‌قیمت، بسیار بزرگ و طولانی‌مدت، در عراق و سفارتخانه بسیار وسیع جدیدی در بغداد بنا کرده است. انجام این پروژه‌های ساختمانی موجب بحث و جدل‌های بسیاری شده است. بر اساس نظر سنجی‌های صورت گرفته، قاطبه مردم عراق با حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاک خود مخالفند. علاوه بر این، کنگره ایالات متحده نیز سرمایه‌گذاری برای احداث پایگاه‌های نظامی «ثابت» را در عراق ممنوع کرده است. این پایگاه‌ها و سفارتخانه استثنایی بسیار بزرگ، آمریکا در بغداد، عموماً به‌عنوان سمبل حضور سیاسی و نظامی طولانی‌مدت ایالات متحده در عراق تعبیر شده است.

### فصل یازدهم: سایر مسائل

هزینت جنگ و اشغال؛ عراق هزینه زیادی برای جنگ پرداخته است. از جمله می‌توان به نابودی فیزیکی گسترده، مرگ و میر، بیماری روانی و از دست رفتن درآمدهای نفتی و تولید ملی این کشور اشاره کرد. ایالات متحده تا دسامبر ۲۰۰۶ به صورت مستقیم، ۲۰۰ میلیارد دلار بودجه دولتی برای جنگ پرداخته است. هزینه حاصل از بودجه فدرال آمریکا در جنگ از چهار میلیارد دلار در ماه در سال ۲۰۰۳، به هشت میلیارد دلار در ماه در اواخر سال ۲۰۰۶، رسید. براساس یک کار تحقیقاتی، مجموع هزینه ایالات متحده در جنگ، از جمله تخمین هزینه‌های آینده جنگ، از دست‌دادن منافع ملی، هزینه مراقبت بهداشتی از مجروحین جنگی و سایر عوامل، از دو تریلیون دلار گذشته است.

اشغال و افکار عمومی عراق؛ نظر سنجی‌های انجام شده در عراق، نشان می‌دهد که اکثریت روزافزون مردم این کشور با اشغال کشور خود مخالفند. حتی نظر سنجی‌های انجام شده توسط دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده، مشخصاً نشان‌دهنده این است که اکثریت مطلق عراقی‌ها، خواهان خروج فوری نیروهای بیگانه از خاک خود هستند. بیشتر عراقی‌ها معتقدند ادامه اشغال عراق، سبب ناامنی بیشتر و گسترش خشونت‌های فرقه‌ای در این کشورها می‌شود. امروز، بیش از گذشته، عراقی‌ها خواهان پایان اشغالگری هستند.

## فصل دوازدهم: توصیه‌ها و نتیجه‌گیری نهایی

عراقی‌ها هزینه بالایی را در نتیجه جنگ پرداخته‌اند؛ از جمله این هزینه‌ها، می‌توان به نابودی زیرساخت‌ها، مرگ و میر افراد، آسیب‌های روانی و فیزیکی و نابودی صنایع تولیدی و از دست رفتن درآمدهای نفتی اشاره نمود. ایالات متحده تا دسامبر ۲۰۰۶ (آذر و دی ۸۵)، نزدیک به ۴۰۰ میلیارد دلار از بودجه دولتی را صرف این جنگ کرده است. هزینه‌های بودجه فدرال ایالات متحده از ۴ میلیارد دلار در ماه در سال ۲۰۰۳، به ۸ میلیارد دلار در ماه در اواخر سال ۲۰۰۶ رسید. براساس نتیجه حاصل از مطالعه‌ای که اخیراً صورت گرفته، مجموع هزینه‌های ایالات متحده در جنگ، شامل هزینه‌های آتی، سرمایه‌گذاری‌ها، هزینه‌های بهداشتی و سایر عوامل از ۱۰۰۰ میلیارد دلار گذشته و براساس ارزیابی دیگری، مجموع این هزینه‌ها بالغ بر ۲۰۰۰ میلیارد دلار است.

علاوه بر موارد فوق، نظرسنجی‌های انجام شده در عراق نشان می‌دهند که مردم با ادامه حضور اشغالگران در کشور خود مخالفند. حتی نظرسنجی‌های دولتی انجام شده به‌وسیله ایالات متحده و بریتانیا در عراق نشان می‌دهد که عراقی‌ها بسیار ناراضی هستند و از اشغالگران می‌خواهند که سریعاً خاکشان را تخلیه کنند. امروزه عراقی‌ها احساس می‌کنند که اشغالگری موجب افزایش ناامنی و خشونت‌های فرقه‌ای شده است. امروزه، بیش از گذشته، عراقی‌ها خواهان پایان اشغال کشور خود هستند.

ایالات متحده، حاشیه امنیت گسترده‌ای برای نیروهای خود، پرسنل امنیتی خصوصی، پیمانکاران نظامی و غیرنظامی خارجی و حتی برای کمپانی‌های نفتی ایجاد کرده است. این حاشیه به قدری گسترده است که اگر عراقی‌ها بخواهند، اقدامات غیرقانونی و جنایات نیروهای ائتلاف را بررسی کنند، با موانع بسیاری خود مواجه می‌شوند. بخشنامه شماره ۱۳۳۰۳ رئیس‌جمهور ایالات متحده، تعقیب، پیگیری و تنبیه مقامات وابسته به نیروهای ائتلاف را در عراق ممنوع کرده است. در حالی که ایالات متحده و هم‌پیمانانش تنها در مواردی معدود به مجازات خاطیان پرداخته‌اند (این مجازات‌ها تنها به دلیل رسوایی‌های چشمگیری بوده که بعضاً در رسانه‌ها منتشر شده)، اما در اکثر قریب به اتفاق موارد، نقض قانون، یا بی‌اعتنایی کرده‌اند و یا این که مجازات‌های بسیار خفیفی برای خاطیان انتخاب کرده‌اند.

با توجه به بحران در ابعاد یادشده، عراقی‌ها خواهان آشتی ملی به‌عنوان راهی برای پایان اشغالگری و درگیری‌های فرقه‌ای شده‌اند. آشتی ملی حقیقی، کار بسیار دشواری است، زیرا باید گروه‌های سیاسی بسیار متنوعی شامل بعضی‌ها، ناسیونالیست‌های کرد، جنگجویان مقاومت، اسلام‌گراها، احزاب سکولار، اتحادیه‌های تجاری و ده‌ها گروه دیگر را حول یکدیگر جمع کند. تاکنون نیز چندین همایش باعنوان «آشتی ملی» در امان، قاهره و بغداد تشکیل شده است. در این همایش‌ها طرح‌های بسیاری پیشنهاد شده، اما ایالات متحده با مفاد مهم آنها نظیر عفو عمومی مخالف است. رهبران عراقی، تاکنون نتوانسته‌اند از این بن‌بست‌ها عبور کنند و در عراق خشونت‌های درونی نیز همچنان رو به افزایش است.

در این میان باید توجه داشت نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، تنها علت معضلات عراق نیستند. شکی نیست که خشونت‌های نیروهای عراقی و درگیری رهبران سیاسی فرقه‌های مختلف این کشور، آسیب گسترده‌ای را متوجه عراق و آینده آن کرده است. اما آنهایی که جنگ و اشغالگری را آغاز کردند، بویژه ایالات متحده و بریتانیا، مسئول ادعاهای نادرست خود هستند. ادعاهایی که به دنبال آن جنگی غیرقانونی آغاز و منجر به نابودی کشور عراق شد. آنها مسئول نقض گسترده قوانین بین‌المللی و تحریک شرایطی هستند که منجر به ایجاد خشونت و هرج و مرج شده است. شورای امنیت نیز به این دلیل که قطعنامه صادر کرده و نیروهای چندملیتی را در عراق، به‌رسمیت شناخته در بحران کنونی سهیم است. خلاصه این که، مسیر پیش‌رو، راهی ناهموار است. عراق به آسانی احیا نخواهد

شد و به پایداری نخواهد رسید. با این همه، می‌توان گام‌های روشنی برای حل این بحران برداشت. باید سازمان ملل و جامعه جهانی به سکوت خود درباره مسئله عراق پایان دهند و به‌صورت گسترده‌ای روی این بحران، بحث و گفت‌وگو نمایند. شورای امنیت، باید مسئولیت خود را نسبت به این معضل شناخته و برای آینده عراق طرح‌های جایگزینی در نظر بگیرد. کنگره ایالات متحده باید براساس پشتوانه رأی خود وارد عمل شود و مطابق خواسته رأی‌دهندگان تصمیم‌گیری کند. توصیه‌هایی که در ذیل آمده است، گامی به پیش را مدنظر قرار داده است:

۱- جامعه بین‌المللی باید سریعاً بحران انسانی در عراق را مورد تأیید قرار داده و آن را به صورت دقیق بررسی کند.

۲- شورای امنیت باید سریعاً قطعنامه MNF را پایان داده و طرحی برای انتقال عراق به شرایط آرام و پایدار، با توجه به قوانین بین‌المللی در نظر بگیرد.

۳- نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، باید متعهد به خروج کلیه نیروهای خود از عراق شوند.

۴- خروج نیروهای ائتلاف باید مطابق با یک جدول زمان‌بندی مشخص و به سرعت اجرا شود. باید توجه داشت که نباید هیچ نیرویی اعم از نظامی، غیرنظامی و مخفی و همین‌طور هیچ پایگاه نظامی در عراق باقی بماند.

۵- نیروی صلح‌بان سازمان ملل می‌تواند به فرایند انتقال کمک کند. این کمک می‌تواند شامل مواردی همچون نظارت بر آتش‌بس، توانمندسازی پلیس بومی و دادگستری عراق و سازماندهی انتخابات‌هایی کاملاً سالم و معتبر باشد.

۶- نیروهای ائتلاف باید در طول دوره‌ای که در عراق هستند، قوانین بین‌المللی را رعایت کنند.

۷- نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، باید به سرعت همه «زندانی‌های امنیتی» را که بدون هیچ جرمی در بازداشت‌اند آزاد کنند؛ همچنین باید برای کلیه افرادی که در خشونت‌های پس از جنگ دخالت داشته‌اند، مسئله عفو عمومی مدنظر قرار گیرد.

۸- باید در مذاکراتی جامع و فراگیر، همه نیروهای عراقی برای یافتن طرحی مشترک برای اداره دولت عراق شرکت کنند. سازمان ملل می‌تواند به شکل‌گیری چنین فرایندی یاری رساند.

۹- همه گروه‌های مسلح و شبه‌نظامیان باید با آتش‌بس و فرایند خلع سلاح موافقت کنند. نیروهای دولتی عراق باید با احترام به قوانین، به صورت محدود، با موارد نقض قانون مبارزه کنند. با شروع خروج نیروهای ائتلاف از عراق، باید نیروهای غیرقانونی سلاح‌های خود را تحویل دهند و به‌عنوان بخشی از طرح صلح و آشتی ملی، گروه‌های خود را منحل نمایند.

۱۰- پس از خروج کامل نیروهای ائتلاف از عراق، باید انتخابات جدیدی مطابق با معیارهای بین‌المللی و تحت نظارت جامعه بین‌المللی برگزار شود؛ برای موفقیت طرح «آشتی ملی» باید قانون اساسی جدیدی تدوین شود.

۱۱- جامعه بین‌المللی باید در بازسازی زیرساخت‌ها و شهرهای به شدت آسیب‌دیده عراق، به این کشور یاری رساند و همچنین باید برای جایگزینی سریع آوارگان تدریجی اندیشیده شود.

۱۲- در مورد بهره‌برداری از منابع نفتی تا برقراری شرایط آرام پس از پایان اشغالگری هیچ قانونی یا معاهده‌ای نباید تصویب شود. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان بر مبنای گفت‌وگویی دموکراتیک و ملی درباره آینده عراق، به مسئله منابع طبیعی مهم این کشور نیز پرداخت.

دادگاه‌های ملی و بین‌المللی باید فرماندهانی که مسئول جنایات بوده‌اند را محاکمه کرده و آنها را به دلیل نقض گسترده حقوق بشر و قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی مورد مؤاخذه قرار دهند.

# فصل اول

## مقدمه

«ما به عراقی‌ها کمک می‌کنیم تا عراقی یکپارچه، آزاد و آرام در داخل و در کنار همسایه‌های خود بسازند... دولتی که به حقوق مردم عراق و حاکمیت قانون پای‌بند است؛ و این راهی است که به دموکراسی ختم می‌شود.»

کلن‌ولیرا رایس، مشاور وقت امنیت ملی ایالات متحده آمریکا.<sup>(۱)</sup>



در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ (۳۱ فروردین ۱۳۸۲) ایالات متحده، بریتانیا و ائتلافی از سایر کشورها، به عراق حمله و دولت صدام حسین را سرنگون کردند. آنها مدعی آوردن دموکراسی، صلح و رفاه برای عراق بودند. اما از آن زمان تاکنون (می ۲۰۰۷)، خشونت، جنگ داخلی و تنگنای اقتصادی، مردم این سرزمین را رنج داده است. هزاران عراقی بی‌گناه، کشته یا مجروح شده، میلیون‌ها نفر جابه‌جا، چندین شهر عراق ویران شده و بسیاری از منابع عراق، تلف شده است.

تاکنون درباره جنگ و اشغالگری در عراق مطالب زیادی نوشته شده است، اما درباره مسئولیت نیروهای ائتلاف، تصویر منسجم و ارزیابی کاملی انجام نشده است. اکثر بحث‌های عمومی درباره عراق امروز، بخصوص در ایالات متحده، حول جنگ فرقه‌ای در عراق، «جنگ داخلی»، پاکسازی قومی، بمب‌گذاری تروریستی و مانند آن است. مفسرین، اغلب، این تراژدی‌ها را به عوامل ناقصی همچون نفرت قومیتی ریشه‌دار در عراق، افراط‌گرایی اسلامی، یا مداخله‌جویی‌های کشورهای همسایه، نسبت می‌دهند. آنها از هر عاملی نام می‌برند، به غیر از اشغالگری.

اگرچه اشغال، واقعیت سیاسی اصلی در عراق است، اما خشونت و رفتار نیروهای ائتلاف، اغلب ریشه در سابقه گفت‌وگوهای سیاسی غربی‌ها دارد. در حالی که گفته می‌شود نیروهای وزارت کشور عراق، کشتار مردم را در این کشور، شروع کرده‌اند، اما در این باره سخن کمتری گفته می‌شود که یک‌صد مشاور

آمریکایی، در این وزارت‌خانه کار می‌کنند و در همه تصمیم‌گیری‌های آن تأثیر گسترده‌ای دارند.<sup>(۲)</sup> در این میان؛ تعجب‌برانگیز این است که برخی از مفسرین برای برقراری صلح و آرامش در این کشور، از لزوم ادامه حضور نیروهای ائتلاف به‌عنوان مأمورین انسان‌دوست در عراق، سخن می‌گویند. گروه تحقیق عراق (گزارش بیکر - هامیلتون)، رسانه‌های عمومی و بسیاری از

چهره‌های سیاسی پیشرو نیز چنین دیدگاهی را ارائه می‌کنند.

ایس گزارش، جنگ و اشغال عراق را در دوره چهارساله اخیر، مورد بررسی قرار می‌دهد. شواهدی که در این گزارش می‌آید، براساس دید حاصل از قوانین بین‌المللی، جمع‌آوری شده‌اند. این شواهد، از گزارش‌های رسانه‌های عمومی، گزارش دولت‌ها، سازمان‌ملل، ارگان‌های حقوق بشری، سایر NGOها و گزارش روزنامه‌نگاران، به‌دست آمده‌اند. در این گزارش، نقش سازمان‌ملل، مشروعیت اشغال عراق و نتایج انسانی این جنگ، ملاحظه می‌شود. اطلاعاتی که در این گزارش جمع‌آوری شده‌اند، راهی برای پایان صلح‌آمیز به اشغال عراق و زمینه‌ای برای عراق آرام پس از اشغال، پیشنهاد می‌کنند.

این گزارش، اقدامات و مسئولیت‌های ایالات متحده و بریتانیا را بررسی می‌کند. ایالات متحده و بریتانیا، کشورهای قدرتمندی هستند که مدعی پیشبرد حاکمیت قانون (Rule Of Law) در جهان، هستند. آمریکا و بریتانیا، اعضای ثابت شورای امنیت سازمان‌ملل هستند؛ از این رو خود را حافظ قوانین بین‌المللی و عدالت در جهان می‌دانند. این دو کشور بر احیای «حاکمیت قانون» اصرار داشته و دیگران را به دلیل خشونت و نقض قوانین و صلح جهانی، محکوم می‌کنند. آنها (ایالات متحده و بریتانیا) باید، بهترین استانداردهای بین‌المللی را اجرا کنند، زیرا همواره این استانداردها را علیه دیگر کشورها، مورد استفاده قرار داده‌اند.

مسئلاً، تراژدی عراق، مسئولین زیادی دارد. صدام حسین، مستبدی بود که جامعه‌ای به‌شدت ضعیف و صدمه‌دیده به‌جای گذاشت. نبرد طولانی و وحشتناک هشت‌ساله با ایران (۱۹۸۰ تا ۱۹۵۹-۱۹۸۸ تا ۱۳۶۷) و ۱۳ سال تحریم‌های سازمان‌ملل، خون مردم عراق را در شیشه کرد. بسا این حال، دولت‌های ایالات متحده و بریتانیا، سال‌های متمادی با سلاح و کمک‌های مالی از صدام حسین حمایت می‌کردند. این حمایت، حتی زمانی که صدام به اعمال وحشیانه خود می‌پرداخت، نیز ادامه داشت.<sup>(۳)</sup> ایالات متحده و بریتانیا، قطعنامه‌های اقتصادی گسترده‌ای را طراحی کردند که ۱۳ سال به مردم عراق صدمه زد و صدام حسین را در قدرت نگه داشت.<sup>(۴)</sup>

اگرچه اکثریت مطلق مردم عراق، قربانیان بی‌گناه خونریزی و خشونت هستند، اما برخی از عراقی‌ها نیز در بحران عراق، سهیم هستند. برخی از مردم عراق در اعمال انتقام‌جویانه شرکت داشته‌اند. برخی از این اعمال عبارتند

از: بمب گذاری در خیابان‌های شلوغ شهرها، حمله به مراکز مقدس مذهبی، کشتار شهروندان بی‌گناه، هدایت دار و دسته‌های غارتگر، آدم‌ربایی، راه‌زنی و قتل، عراقی‌ها در درون و بیرون از حاکمیت، در جنگ داخلی، راه‌اندازی گروه‌های شبه‌نظامی، ترور، بمب‌گذاری، جوخه‌های مرگ و فساد مالی، دست داشته‌اند.

با این حال، اقدامات نادرست عراقی‌ها، اعمال غلط نیروهای ائتلاف را توجیه نمی‌کند. آنهایی که جنگ و اشغالگری را شروع کرده‌اند، بخصوص بریتانیا و ایالات متحده، باید مسئولیت کشته شدن انسان‌ها و ویرانی عراق را برعهده گیرند. آنها بودند که نظم عمومی را از هم پاشیدند، باعث گسترش فرقه‌گرایی و هرج و مرج اقتصادی شدند. آنها، کشور عراق را نابود کردند و اکنون حاصل آن را در می‌کنند. همچنین آنها باید مسئولیت تضعیف جایگاه قوانین بین‌المللی و همکاری جهانی را بپذیرند. این مشکلات در پی جنگ و اشغالگری در عراق، به‌وجود آمده‌اند.

### گفته‌های نادرست درباره جنگ

ایالات متحده و بریتانیا، پیش از حمله به عراق، شورای امنیت را برای دادن مجوز «استفاده از زور علیه عراق» تحت فشار قرار دادند. آنها گفتند که، برای جلوگیری از پیشبرد برنامه توسعه سلاح‌های کشتار جمعی توسط دولت عراق، استفاده از زور ضروری است. آنها عنوان کردند: «در حال نقض قطعنامه‌های شورای امنیت است و شواهدی برای ادعای خود ارائه کردند. کالین پاول، وزیر خارجه ایالات متحده در جلسه ۵ فوریه ۲۰۰۳ (بهمن ۱۳۸۱) گفت: «نتیجه اکنون به شما ارائه می‌دهیم، واقعیت‌ها و نتایجی است که از کارهای اطلاعاتی دقیق به‌دست آمده‌اند.»<sup>(۵)</sup> اما اکثر اعضای شورای امنیت، در صحت این شواهد تردید داشته و در نهایت این شورا مجوز عملیات نظامی علیه عراق را تصویب نکرد. اکنون، ما می‌دانیم که عراق سلاح‌های کشتار جمعی نداشت و تقریباً همه آنها را در سال ۱۹۹۱، یعنی ۱۲ سال پیش از حمله، سال ۲۰۰۳ نابود کرده بود.<sup>(۶)</sup>

(Richard Dearlove)، رئیس اطلاعات بریتانیا، در دیداری با تونی بلر در ژوئن ۲۰۰۲ گفت؛ واشنگتن «اطلاعات و مدارکی برای این سیاست خود (حمله به عراق)، تولید کرده است.»<sup>(۷)</sup> اندکی پس از آن، لندن نیز به موازات آمریکا، درباره عراق ادعاهای بزرگ‌نمایی‌شده و غلطی ارائه کرد. از جمله این ادعاها می‌توان به دو پرونده دروغینی که توسط دولت بریتانیا منتشر شد، اشاره کرد.<sup>(۸)</sup> کالین پاول، وزیر خارجه وقت ایالات متحده، بعدها از سخنرانی خود در شورای امنیت، به عنوان «لکه ننگ» زندگی خود، نام برد.<sup>(۹)</sup>

همچنین این دو کشور ادعا کردند، بر اساس قوانین بین‌المللی، عمل آنها مشروعیت دارد. این دو کشور ماده ۵۱ منشور ملل متحد و «دفاع شخصی» را بهانه اقدام خود علیه عراق اعلام کردند. با این حال اکنون، می‌دانیم عراق هیچ تهدید فوری و روشنی برای جهان نبود و سیاست‌مداران نیز از این امر مطلع بودند.<sup>(۱۰)</sup> کارن راس (Caren Ross)، متخصص ارشد عراق در دفتر بریتانیا در سازمان ملل، بعدها تأیید کرد که مدت چهار سال و نیم می‌دید، ایالات متحده و بریتانیا در حال انجام کار اطلاعاتی روی عراق هستند. او گفت؛ در این مدت حتی یک گزارش که تأیید کند، صدام دارای قابلیت سلاح‌های کشتار جمعی است یا این که تهدیدی برای بریتانیا یا هر کشور دیگری محسوب می‌شود، وجود نداشت.<sup>(۱۱)</sup>

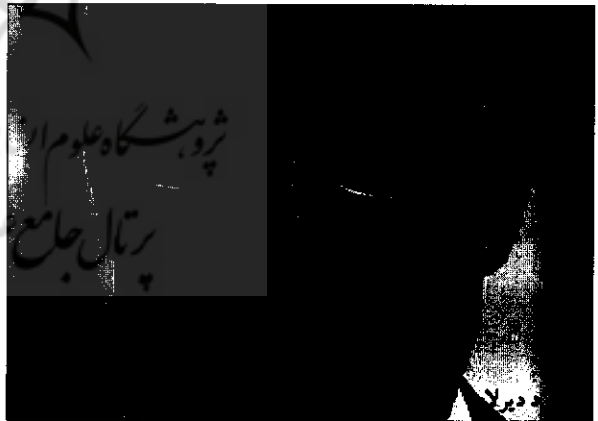
علاوه بر این، واشنگتن ادعا کرد؛ صدام حسین از القاعده حمایت کرده و تروریسم بین‌المللی را گسترش می‌دهد، در نتیجه برای ایالات متحده، تهدیدی محسوب می‌شود. این ادعا هم نادرست بود و تمام افرادی که این اتهامات را بیان می‌کردند، خود می‌دانستند که دروغ می‌گویند. تحقیقات گسترده‌ای که بعدها توسط کمیته منتخب اطلاعاتی سنا در این باره انجام شد، نشان داد تمام این ادعاها، بی‌اساس و غیرمستولانه بوده‌اند.<sup>(۱۲)</sup>



سرانجام، ایالات متحده و بریتانیا، برای توجیه حمله به عراق، شروع به ارائه بحث‌های انسان‌دوستانه کردند. از جمله این ادعاها؛ می‌توان به آزادسازی مردم عراق از حکومت استبدادی صدام حسین و نقض حقوق بشر توسط وی اشاره کرد.<sup>(۱۳)</sup> آنها مدعی بودند؛ جنگ برای عراق، دموکراسی و آزادی به ارمغان می‌آورد. اما اگر واشنگتن و لندن واقعاً نگران آزادی و دموکراسی در عراق بودند، چرا قبلاً با صدام حسین همکاری کرده بودند؟ آنها به او سلاح و کمک‌های مالی و تسلیحاتی می‌رساندند و حتی از او در برابر فشار سازمان‌های حقوق بشری، محافظت می‌کردند.<sup>(۱۴)</sup>

### جنگ و نیروهای ائتلاف

هر چه زمان حمله نزدیک‌تر می‌شد، آمریکا برای اقدام نظامی، «ائتلافی» را از چند کشور، ایجاد می‌کرد، تا این اقدام را عملیاتی چندجانبه و برآمده از



پیش از حمله به عراق؛ دولت‌های آمریکا و بریتانیا، با توجه به در اختیار داشتن سازمان‌های اطلاعاتی قوی، تقریباً مطمئن بودند شواهد ضعیف و حتی غلطی درباره سلاح‌های کشتار جمعی در عراق، ارائه کرده‌اند. خاطرات و گزارش‌های منتشر شده، نشان می‌دهند، مقامات دولت بوش در اوایل سال ۲۰۰۱، درباره جنگ علیه عراق بدون اشاره به سلاح‌های کشتار جمعی صحبت می‌کردند. در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۱ (۲۹ شهریور ۱۳۸۰)، ۹ روز پس از حملات ۱۱ سپتامبر، م. بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده و تونی بلر، نخست‌وزیر بریتانیا درباره حمله به عراق، در کاخ سفید، صحبت کرده بودند.<sup>(۱۵)</sup> سر ریچارد دیرلاو

حمایت جهانی نشان دهد. واشنگتن اعلام کرد؛ ائتلافی از ۴۹ کشور را گرد هم آورده است. (۱۷) اما برخی از آنها در هیچ اقدام نظامی شرکت نکرده و بسیاری نیز تنها به صورت سمبلیک حضور داشتند. قزاقستان ۲۹ سرباز، مولداوی ۲۴ سرباز، و ایسلند تنها دو سرباز در جنگ داشت. (۱۸) نیروی نظامی که در حمله به عراق حضور داشت، تقریباً تنها از واحدهای نظامی ایالات متحده و بریتانیا تشکیل شده بود. مجموع نیروهای حاضر در جنگ؛ ۳۰۰۰۰۰ نیروی زمینی علاوه بر نیروی دریایی و هوایی بودند. (۱۹)

پیش از آغاز نبرد زمینی، برای گسترش «شوک و وحشت» در عراق بمباران هوایی گسترده‌ای انجام گرفت. ایالات متحده از سلاح‌های غیرمتعارفی نظیر بمب‌های خوشه‌ای، اورانیوم ضعیف‌شده و ناپالم، استفاده کرده است. این بمب‌ها، نخستین نشانه بودند برای آن که نیروهای ائتلاف، کمترین تعهد اخلاقی یا قانونی برای خود قائل نخواهند بود. (۲۰) نیروهای نظامی صدام، قادر به مقاومت در برابر حملات نظامی ایالات متحده نبودند. تنها در طول سه هفته پس از آغاز جنگ، در ۸ آوریل ۲۰۰۳ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۲)، نیروهای ائتلاف وارد بغداد شدند. اگرچه بسیاری از عراقی‌ها از سقوط حاکم مستبد خود خوشحال بودند، اما برخلاف برخی از افرادی که در واشنگتن حدس می‌زدند، دسته گلی نثار این نیروها نشد و برای ورود آنها به بغداد، غریب شادی نیز شنیده نشد. اندکی پس از آن، پرزیدنت بوش در ۲ می ۲۰۰۳ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۲)، در عرشه ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن، سخنرانی «ماموریت انجام شده» (Mission Accomplished) خود را ارائه کرد.



### نابودی کشور عراق و فروپاشی نظم عمومی

نیروهای ائتلاف، در نخستین روزهای اشغال عراق، ارتش و پلیس نظامی عراق را منحل کردند. بدین ترتیب شهرهای عراق را هرج و مرج و غارتگری فرا گرفت. نیروهای ائتلاف در این بین، تنها ناظر صحنه‌ها بودند. ۱۷ وزارت خانه، از جمله وزارت خانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، فرهنگ و بازرگانی، به حال خود رها شده بودند. با این وجود، نیروهای ائتلاف تنها از وزارت خانه نفت عراق، محافظت می‌کردند. (۲۱) اکثر اسناد دولتی عراق، در آتش سوخت و دزدان هم، مبلغان، کامپیوترها، بسیاری از وسایل دیگر و حتی کابل‌های مسی مراکز دولتی را برای فروش در بازار مکاره، ربودند. همزمان، غارتگران نیز به بانک‌ها، بنگاه‌های تجاری و حتی بیمارستان‌های بزرگ عراق، حمله کردند. مؤسسات فرهنگی بزرگ عراق، نظیر کتابخانه ملی و موزه ملی عراق، چپاول شدند و بسیاری از این مؤسسات نیز در آتش سوختند. عراقی‌ها، پژوهشگران بین‌المللی و رهبران انسان‌دوست، از کشورهای ائتلاف و فرماندهان نظامی خواستند از میراث فرهنگی و مؤسسات ملی عراقی،

حفاظت کنند، اما این درخواست‌ها، هیچ فایده‌ای نداشت و تغییری در رفتار نیروهای ائتلاف دیده نشد. (۲۲)

در غیاب یک نیروی انتظامی ملی؛ دزدی، آدم‌ربایی، قتل و غارت باقی‌مانده اموال رژیم سابق، آغاز شد. در شهرها هرج و مرج حاکم شد و بسیاری از مردم برای حفظ جان خود، مسلح شدند. رهبران ائتلاف، درباره این رخدادها، سهل‌انگاری عجیبی نشان می‌دادند. رامسفلد، وزیر دفاع ایالات متحده، با بی‌اهمیت تلقی کردن غارت موزه ملی عراق، در ۱۱ آوریل ۲۰۰۳ (۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۲) گفت؛ «این مسائل اتفاقی است.» (۲۳)

در ماه می ۲۰۰۳، نیروهای ائتلاف، آخرین گام را برای انحلال کامل ارتش و قطع حقوق بازنشستگی نیروهای نظامی سابق عراق برداشتند. بدین ترتیب زندگی ۴۰۰۰۰۰ خانواده عراقی، تپاه شد. (۲۴) همچنین، «بعثی‌زدایی» رادیکالی نیز آغاز شد که در نتیجه آن؛ ۳۰۰۰۰ عضو حزب سابق عراق، از پست‌های دولتی اخراج شدند. در این میان، افرادی بودند که کاملاً از جنایات رژیم سابق عراق، میرا بودند. (۲۵) بدین ترتیب، بسیاری از افراد شایسته از سروس‌های دولتی دور ماندند و به بسیاری از ارگان‌های بازمانده از حکومت سابق، آسیب جبران‌ناپذیری وارد شد.

### نقش عجیب شورای امنیت و سازمان ملل

با این که پیش از آغاز جنگ، شورای امنیت، به صورت قاطع عملیات نظامی را رد کرده بود، اما مسیر خود را پس از اشغال عراق، به سرعت تغییر داد. آنها به شدت از تقابل با ایالات متحده دوری کرده و معتقد بودند، هیچ جایگزینی برای نیروهای ائتلاف در عراق، موجود نیست. اعضای شورای امنیت، به اشغال عراق مشروعیت داده و امکان برداشت از درآمدهای نفتی عراق را برای آنها فراهم کردند. قطعنامه ۱۴۸۳ شورای امنیت در ۲۲ می ۲۰۰۳ (۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۲) ایالات متحده و بریتانیا را به عنوان «نیروهای اشغالگر» به رسمیت شناخت و از آنها خواست قوانین حقوق بشر بین‌المللی را رعایت کنند. همزمان، این قطعنامه به نیروهای ائتلاف حق داد نفت عراق را فروخته و میلیاردها دلار از حساب نفت در برابر غذای سازمان ملل برداشت کرده و برای پروژه‌هایی که «به نفع مردم عراق می‌دانند»، خرج کنند. اکثریت مخالف جنگ در شورای امنیت، امیدوار بودند تا با این قطعنامه، سازمان ملل «نقش اصلی» را در عراق به عهده گرفته و سرانجام کل مسئولیت عراق نیز به عهده این سازمان بیفتد. اما این ادعا تنها یک خودفریبی بود. نیروهای ائتلاف، اصلاً نمی‌خواستند قدرت را به سازمان ملل واگذار کنند آنها تنها نقشی حاشیه‌ای برای سازمان قائل شدند.

سرجیو ویرا دیملو (Sergio Veira De Mello)، نماینده ویژه سازمان ملل در بغداد، سعی کرد برای سازمان ملل در عراق نقش مستقلی ایجاد کند، اما دولت تحت رهبری ایالات متحده در عراق، برای او امکان مانور کمی فراهم ساخت و طرح‌های او (دیملو) را برای مشاوره گسترده با تمام شخصیت‌های سیاسی عراقی رد کرد. «نقش حیاتی» که شورای امنیت برای سازمان ملل در عراق، در نظر گرفته بود، هیچ‌گاه تحقق پیدا نکرد. در ۱۹ اوت ۲۰۰۳ (۲۸ شهریور ۱۳۸۲) یک کامیون حاوی بمب، دفتر اداری سازمان ملل را در بغداد نابود کرد. در جریان این بمب‌گذاری، ویرا دیملو و سیزده عضو دیگر این دفتر، جان باختند. پس از این حادثه، نقش سازمان ملل در عراق، بسیار کم‌رنگ شد.

با این حال، در اکتبر ۲۰۰۳، شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۵۱۱ حرکت سرنوشت‌سازی را انجام داد. مطابق این قطعنامه، اشغال عراق توسط سازمان ملل، رسماً پذیرفته و نیروهای ائتلاف به عنوان «نیروهای چندملیتی» سازمان

برابر سیاست‌های تجارت آزاد قرار داد. در همین حال، دولت موقت ائتلاف، اقدام به خروج کردن درآمدهای نفتی عراق و برداشت از حساب پس‌انداز نفت در برابر غذای سازمان ملل [این حساب در حقیقت بخشی از تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق در سال‌های پس از ۱۹۹۱ و شکست عراق در جنگ اول خلیج فارس بود. براساس قطعنامه تحریم عراق، این کشور حق داشت تا برای تأمین غذا و داروی مورد نیاز مردم عراق، اقدام به فروش مقادیر متناظری نفت کند. این عواید نفتی در حسابی به نام سازمان ملل ذخیره شده و توسط آنها برای مصارف مجاز ارائه می‌شد. م] کرد. دولت موقت ائتلاف، با مصرف گسترده این درآمدها سعی داشت تا نظر دوستان عراقی خود را جلب کرده و در اقتصاد عراق جهشی ایجاد کند. اما این مصارف، باعث ایجاد روح فساد مالی در دولت‌های بعدی عراق شد که ریشه اولیه آن در همین دولت موقت ائتلاف بود. کمپانی‌های عظیمی نظیر هالبرتون، پارسونز و فلور، برای بازسازی عراق، قراردادهای چند میلیارد دلاری بستند. (۳۰) در پس پرده این اقدامات، طرح‌هایی در دست اجرا بود تا منابع نفتی عراق را خصوصی کنند. بدین ترتیب کمپانی‌های بزرگ نفتی ایالات متحده و بریتانیا نظیر اکسون، شل و بریتیش پترولیوم منافع گسترده‌ای، به دست می‌آوردند. در حالی که برمر اقدام به تأسیس بازار بورس بزرگی در عراق می‌کرد، نظام بانکی این کشور هم چنان ناکارآمد بود و بیکاری پیدای می‌کرد.



### سوکوب مردم

نیروهای ائتلاف در غیاب پلیس محلی عراق، با توده‌های ناراضی عراق، مستقیماً مقابله کردند. سربازان ائتلاف، با فرهنگ بومی مردم عراق کاملاً ناآشنا بوده و قادر به برقراری ارتباط با آنها (مردم عراق) به زبان خودشان نبودند. این سربازان بی‌تجربه و ناآماده، به سلاح‌های سنگین و پشتیبانی گسترده هوایی و خمپاره‌ای ارتش، مجهز بودند. نخستین اقدام سریع نیروهای ائتلاف، در اختیار گرفتن اجباری برخی از مکان‌ها در قلب شهرهای عراق بود. همین اقدامات خیلی زود باعث تحریک، نزاع و درگیری در عراق شد. اندکی پس از اشغال بغداد، نیروهای نظامی ایالات متحده در فلوجه، مدرسه‌ای را در مرکز شهر به اشغال خود در آورده و در آن مکان، پایگاه نظامی ایجاد کرد. مردم فلوجه، به این اقدام آمریکایی‌ها، با خشم پاسخ گفتند. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۳ (۷ خرداد ۱۳۸۲)، یعنی تنها پنج روز پس از اشغال فلوجه، صدها نفر از مردم شهر در اعتراض به اقدام آمریکایی‌ها، در برابر این مدرسه تظاهرات کردند. سربازان آمریکایی در پاسخ به این اعتراض، به روی جمعیت آتش گشودند، هفده نفر را کشته و تعداد بیشتری را مجروح کردند. (۳۱) دو روز پس از آن هم، صحنه خونین دیگری در این شهر اتفاق افتاد. بدین ترتیب، فلوجه به عنوان

ملل به رسمیت شناخته شد. در برابر، شورای امنیت از نیروهای ائتلاف خواست پروسه‌ای سیاسی را به سمت برگزاری انتخابات و انتقال قدرت به عراقی‌ها طی کند. پس از این بود که ایالات متحده و بریتانیا، ادعا کردند از طرف سازمان ملل در عراق حضور دارند و این سازمان، به حضور آنها در عراق، مشروعیت قانونی بخشیده است. از آن زمان تاکنون، علی‌رغم نقض فاحش قوانین بین‌المللی توسط نیروهای ائتلاف در عراق، شورای امنیت، این حکم را دو بار تمدید کرده است. (۳۲) با این وجود، این شورا، تاکنون بر اقدامات نیروهای چند ملیتی (MNF) نظارت دقیقی نداشته و هیچ بحث و تحقیقی درباره مسئله عراق، انجام نداده است. چند تن از سفرای کشورهای مختلف در سازمان ملل از جمله؛ خوان گابریل والدس (Juan Gabriel Valdes) از شیلی و آدولفو آگرتیلار زینسر (Adolfo Aguilar Zinser) از مکزیک، سعی کردند این مسئله را مورد بررسی قرار دهند، اما واشنگتن از دولت‌های این کشورها خواست این سفرار را فراخوانده و برای آنها روشن کنند آمریکا، در این زمینه، هیچ مخالفتی را تحمل نخواهد کرد. (۳۳) سایر سفرار نیز با ناراحتی گفتند؛ واشنگتن حتی در هنگام ارائه گزارش‌های دوره‌ای درباره عراق، اجازه طرح پرسش را به مخالفین نمی‌دهد. (۳۴)



### حاکمیت ایالات متحده در عراق

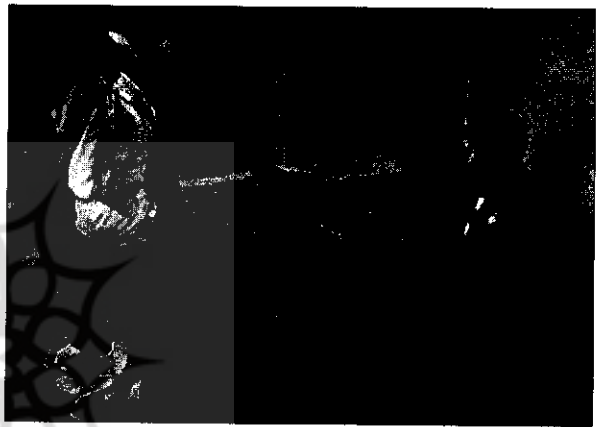
ایالات متحده، به جای آن که حاکمیت عراق را به مردم این کشور، واگذار کند، به دولت موقت ائتلاف به ریاست پل برمر؛ مأمور پنتاگون، واگذار کرد. در این دولت، هیچ فرد عراقی حضور نداشت. (۳۵) دفاتر اداری دولت برمر، در کاخ ریاست جمهوری سابق صدام تأسیس شد. برمر بر اساس حکم مدیریتی خود، دارای قدرت نامحدود در عراق بود. در برابر این دولت، در بین عراقی‌ها مقاومت روزافزونی شکل می‌گرفت. برمر برای حفاظت از دولت موقت ائتلاف (CPA)، در بغداد منطقه امنیتی به شدت کنترل‌شده‌ای به نام «منطقه سبز» ایجاد کرد. فرماندهان ارشد دولتی و مقامات دولت موقت، در این منطقه ساکن شدند. برمر، نه تنها امکان سخن گفتن به زبان عربی نداشت، بلکه از عراق، هیچ شناختی هم نداشت. برمر و تیم او که متشکل از هواداران پر و پا قرص جمهوری خواهان بودند، بازسازی این کشور را براساس اصول نئوکان‌ها در عراق، شروع کردند.

برخلاف قوانین بین‌المللی، برمر اقدام به تغییر اساسی ساختار اقتصادی و دیوانی مؤسسات دولتی عراق کرد. او بیش از صد بخشنامه فراگیر، صادر کرد. برمر، در یکی از نخستین بخشنامه‌ها، تمام تعرفه‌ها، حقوق گمرکی، حقوق مصرف‌کننده و مقرری‌های وارداتی عراق را لغو کرد. وی، بدین ترتیب، اقتصاد عراق را پس از سال‌ها انقباض اقتصادی ناشی از تحریم، به یکباره در

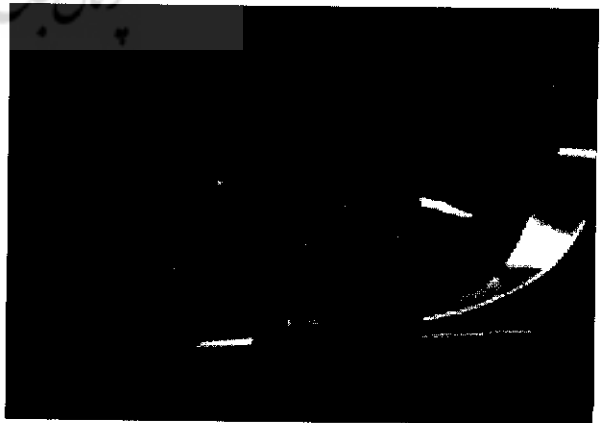


مرکز مقاومت ضد اشغالگری مطرح شد. وقایع مشابهی نیز در موصل و سایر شهرهای عراق، اتفاق افتاد.

هر چه درگیری‌های این چنین گسترش می‌یافت، نیروهای ائتلاف هم از تاکتیک‌های خشن و نیروی سرکوب‌گر بزرگ‌تری استفاده می‌کردند. جوخه‌های نظامی وارد خانه‌های مردم شده و جست‌وجوی منازل را شروع کردند. در این جست‌وجوها، درهای منازل را می‌شکستند، میلمان منزل را تخریب می‌کردند، بر سر ساکنین منزل فریاد زده و دستورات خود را به زبان انگلیسی بیان می‌کردند و در نهایت نیز ساکنین منزل را بازداشت می‌کردند. (۳۲) نظامیان ائتلاف، در جست‌وجوی محله‌ها، صدها عراقی را بازداشت کرده و آنها را مورد آزار و اذیت و شکنجه قرار دادند. خیلی زود، هزاران عراقی در حصر زندان‌های و اردوگاه‌های نیروهای ائتلاف قرار گرفتند، بدون آن که جرمی مرتکب شده باشند یا این که برای دفاع از خود در دادگاه فرصتی داشته باشند. (۳۳) شکنجه در نخستین هفته‌های جنگ، آغاز شد. (۳۴)



همچنین، نیروهای ائتلاف از واحدهای عملیاتی سری از جمله هزاران نیروی عملیاتی ویژه نظیر؛ کماندوهای نظامی، ملوان‌های نیروی دریایی، نیروهای دلتا و سرویس هوایی ویژه بریتانیا، به صورت گسترده‌ای، استفاده کرده‌اند. (۳۵) علاوه بر این، نیروهای سیا، MIA و نیروهای ویژه جاسوسی نظامی پنتاگون و دیگر نیروهای «عملیات سیاه» (Black Operation) نیز در عراق فعالیت می‌کنند. این نیروهای سری، به نام جست‌وجوی صدام و تعقیب تروریست‌ها، عملیات نظامی مخفیانه‌ای را هدایت کرده و در پایگاه‌های مخفی عراق بازجویی‌های بسیار وحشیانه‌ای انجام داده‌اند.



سرانجام این که، نیروهای ائتلاف، پای پیمانکاران نظامی خصوصی را به

عراق کشاندند و در اندک زمانی تعداد آنها به ده‌ها هزار نفر رسید. (۳۶) برخی از کارکنان شرکت‌های بلک واتر (Blackwater)، شرکت دین کرپ (DynCorp) و شرکت بین‌المللی کاسی (CACI)، عبارتند از؛ نیروهای نظامی ویژه ایالات متحده، افسران پلیس، پرسنل سرویس جاسوسی و افراد ماهر در جنگاوری سری، بازجویی و حفاظت نظامی. این نیروها که به شدت مسلح شده و حتی در برابر دادگاه نظامی، از هرگونه پاسخگویی مصون هستند، دستمزدهای زیادی دریافت کرده و علاوه بر بریتانیا و ایالات متحده از بسیاری کشورهای دیگر هستند. (۳۷) این نیروها به‌عنوان بازجو در زندان‌های ائتلاف، محافظ مقامات ائتلاف، واحدهای «حفاظتی»، جوخه‌های جنگاوری ویژه، آموزش‌دهنده واحدهای کماندویی عراق و ... کار می‌کنند. (۳۸) آنها مسئول اجرای گزینه سرکوب و خشونت به عنوان انتخاب پایدار استراتژیک اشغالگران، بودند.

### چریک‌ها، کماندوها و جوخه‌های مرگ تحت حمایت نیروهای ائتلاف

نیروهای ائتلاف، اقدام به تأسیس و پشتیبانی گروه‌های فراقانونی عراقی کرده‌اند. ایالات متحده و بریتانیا، پیش از حمله به عراق، پیشمرگان (شبه‌نظامیان کرد در کردستان عراق) کرد را مورد حمایت قرار می‌دادند. (۳۹) در سال ۲۰۰۳، شمار این نیروها چند ده‌هزار نفر بود و برخی از آنها با سلاح‌های پیشرفته، مجهز شده بودند. فرماندهان ائتلاف اعلام کردند که پیشمرگان می‌توانند سلاح‌ها و واحدهای نظامی خود را نگهدارند. علت این امر این بود که فرماندهان ائتلاف مدعی بودند، پیشمرگان «تحت نظارت ائتلاف» فعالیت می‌کنند. (۴۰) فرماندهان ائتلاف، خیلی زود از پیشمرگان در عملیات‌های نظامی بخصوص علیه ستیزه‌جویان در شمال و مرکز عراق، استفاده کردند. استفاده ائتلاف از پیشمرگان، سبب تقویت جدایی‌طلبی کردی شده و خصومت شیعه و سنی علیه کردان را به شدت، افزایش داد.

علاوه بر این، ایالات متحده، شبه‌نظامیان کنگره ملی عراق، تحت رهبری احمد چلبی را مسلح کرده، آموزش داده و به آنها کمک مالی می‌کردند. چلبی یکی از عراقی‌های تبعیدی بود و شخصیتی که برای پنتاگون محبوب بوده و از او به‌عنوان نخست‌وزیر آینده عراق، نام برده می‌شد. این گروه شبه‌نظامی در سال ۲۰۰۲؛ با بودجه چندین میلیون دلاری از جانب پنتاگون تأسیس شد. نام این گروه شبه‌نظامی، «نیروهای عراق آزاد» بود. (۴۱) اندکی پس از حمله به عراق، نیروی هوایی ایالات متحده، چلبی و ۶۰۰ شبه‌نظامی تحت فرمان او را به ناصریه در جنوب عراق، منتقل کرد. (۴۲) دولت موقت ائتلاف؛ با این گروه، قرارداد چندین میلیون دلاری بست که سرمایه آن عمدتاً از عواید نفتی عراق، تأمین می‌شد. علاوه بر این؛ پنتاگون، ماهانه ۳۴۲۰۰۰ دلار، مقرری به چلبی و کنگره ملی عراق، می‌پرداخت. (۴۳) نیروهای تحت فرمان چلبی، با گروه‌های رقیب در بغداد، درگیر می‌شدند. بسیاری از مسردم، این گروه را متهم به ربودن خودروها، کلاهبرداری، ضبط غیرقانونی اموال بعضی‌های سابق و قتل، می‌کردند.

اسکورپیون (Scorpions)، نیروی عراقی غیرقانونی دیگری بود که توسط سیا ایجاد شد و از آغاز به‌صورت کاملاً سری فعالیت می‌کرد. (۴۴) هویت این گروه در نوامبر ۲۰۰۳، به دنبال شکنجه وحشیانه و سپس مرگ یک زندانی در بازداشتگاه ایالات متحده، افشا شد. (۴۵)

ایاد علاوی، شخصیت سیاسی حامی ایالات متحده و مأمور سابقه‌دار سیا گفت، استفاده از نیروهای غیرقانونی عراقی برای عملیات ضد ستیزه‌جویی است. در پاییز ۲۰۰۳، واشنگتن، جنگ کثیفی را شروع

کرد. در این زمان، بودجه‌ای سه میلیارد دلاری توسط دولت پیشنهاد شده و از تصویب کنگره گذشت تا روی گروه‌های شبه نظامی عراق، سرمایه‌گذاری شود. (۳۶) از اواسط سال ۲۰۰۴ به بعد، نیروهای ائتلاف، به صورت روزافزونی از نیروهای غیرقانونی عراقی و واحدهای ویژه تحت فرمان وزارت کشور عراق، استفاده کردند.

منابع پنتاگون و خبرنگاران، از این سیاست به نام «گزینه سالوادوره» یاد کردند. این نام به عملیات ضد ستیزه‌جویی دهه ۱۹۸۰ ایالات متحده در آمریکای مرکزی، اشاره دارد. (۳۷) جیمز استیل، مشاور ویژه سفارت ایالات متحده که در جنگ‌های کثیف در آمریکای مرکزی نقشی کلیدی داشت، برای مشاوره این واحدهای نظامی، برگزیده شد. (۳۸) برخی از گروه‌های غیرقانونی عراقی که در تابستان و پاییز ۲۰۰۴ تأسیس شدند عبارتند از: گروه سوات (SWAT) حله، گارد آزادی عراق، بریگاد عامره و کماندوهای پلیس ویژه یا بریگاد ولف. (۳۹) بسیاری از این گروه‌ها توسط ائتلاف، مسلح و آموزش داده شده‌اند. (۴۰) برخی از آنها به عنوان جوخه‌های مرگ در ترورهای خاص، استفاده می‌شوند. برخی از فرماندهان نظامی عراقی، مأمورین پلیس ویژه عراق در رژیم سابق بوده که پس از اجرای فرآیند «بش‌زدایی»، مجدداً به کار گرفته شده‌اند. (۴۱) برخی از این گروه‌ها، بسیار خشن و بی‌رحم هستند که شکنجه، غارت، کشتار و اعدام‌ها را اجرا می‌کنند.



گروه‌های مذهبی و قومی عراق و همچنین احزاب سیاسی این کشور، برای دفاع از خود شروع به تأسیس گروه‌های شبه‌نظامی کردند. بزرگ‌ترین حزب شیعه عراقی، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، سپاه بدر متعلق به خود را گسترش داد، در همین زمان، مقتدا صدر، روحانی جوان شیعه نیز جیش‌المهدی را تقویت نمود. (۴۲) رهبران سیاسی و قومی عراق، اقدام به استخدام محافظ نظامی برای خود کردند. شخصیت‌های دولتی نیز از پلیس رسمی و واحدهای نظامی عراق، به‌عنوان شبه‌نظامیان نسبتاً مستقل استفاده کردند. دارودسته‌های نظامی، اقدام به آدم‌ربایی در روز روشن، سرقت مسلحانه و راه‌زنی، کردند. نیروهای ائتلاف، با پشتیبانی از شبه‌نظامیان، خشونت‌ها در عراق را چند برابر کرده و وحدت ملی در عراق را نابود کردند.

### عراق متحد و آزاد

ایالات متحده و متحدانش، از آغاز حمله به عراق، اصرار داشتند که می‌خواهند عراقی دموکراتیک بسازند تا الگویی برای تمام منطقه شود. اما در عمل، آنها کمترین اعتنایی به خواسته‌های مردم عراق نکرده و آنها را در

هیچ کاری دخالت ندادند. در طول یک سال پس از اشغال عراق، دولت موقت ائتلاف، از پایگاه خود در منطقه سبز، بخشنامه‌ها، احکام، قراردادهای و فرامین عمومی را صادر می‌کرد. (۴۳) اکثر کارکنان دولت موقت عراق، تنها شش‌ماه آموزش دیده بودند و فرصت لازم برای به‌دست آوردن درک کافی از عراق را نداشتند. (۴۴)

دولت موقت ائتلاف و برمر، تشکیل «شورای اداری» دادند که اعضای آن، عراقی‌های منتخب ایالات متحده و دوست اشغالگران بودند. (۴۵) بسیاری از این عراقی‌ها، سال‌ها در تبعید به‌سر برده بودند و ریشه کمی در عراق فعلی، داشتند. برخی از این افراد نظیر ایاد علاوی و احمد چلیبی، سال‌ها حقوق‌بگیر و اشنگتن بودند. (۴۶) با اعلام شکل‌گیری شورای اداری عراق براساس موازنه و جهت‌گیری‌های فرقه‌ای، درحقیقت، دولت موقت ائتلاف اولویت را به هویت قومی سیاستمداران عراقی داده و رقابت‌های فرقه‌ای را عمیق‌تر نمود. (۴۷) در نتیجه نیروهای ائتلاف شروع به استفاده از روش‌های «فرقه‌پسند» و حکومت‌کنی کردند.

در پایان ژوئن ۲۰۰۴، دولت موقت عراق، حاکمیت ملی عراق را به عراقی‌ها واگذار کرده و خود را منحل نمود. نیروهای ائتلاف اعلام کردند؛ دولت موقت ملی عراق؛ هم‌اکنون مسئول اداره کشور است و شورای امنیت نیز در نیویورک، از این پروسه انتقال، حمایت کرد. (۴۸) دولت موقت جدید به‌وسیله برمر و با کمک اخضر ابراهیمی، مأمور ویژه سازمان ملل، انتخاب شد. اگرچه، شورای اداری عراق، عمدتاً از تکنوکرات‌ها تشکیل شده بود، اما براساس حضور بسیاری از شخصیت‌های نام‌آشنا و هویت آنها، مشخص بود که افراد، براساس هویت‌های فرقه‌ای، انتخاب شده‌اند. (۴۹) سرانجام، برمر و بسیاری از همکارانش، عراق را ترک کردند، اما حضور سنگین ایالات متحده در این کشور، باقی ماند.

حاکمیت ملی، به عراق بازگشته بود. عراق، وزارت‌خانه‌ها، خدمات شهری، نیروی انتظامی و ارتش، زندان‌ها، وزارت‌خانه دارایی و حتی سرویس جاسوسی مخصوص خود را داشت و البته، در عراق، انتخابات نیز برگزار می‌شد که ازجانب نیروهای ائتلاف به قله دموکراسی در عراق، تعبیر می‌شد. اما واقعیت، چیز دیگری بود. جان نگرپوونته، سفیر ایالات متحده در عراق، در رأس بزرگ‌ترین سفارت‌خانه جهان، به نفوذ گسترده ایالات متحده در عراق ادامه داد. سیاست‌های هر وزارت‌خانه‌ای در عراق، را چند ده «مشاوره آمریکایی» دارد که آن تعیین می‌کنند. (۵۰) ارتش عراق، کاملاً تحت فرماندهی ایالات متحده بوده و سرویس جاسوسی عراق نیز فرامین و حتی حقوق خود را از سیامی گیرد. (۵۱)

در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۵ (۱۰ بهمن ۱۳۸۴) نخستین انتخابات مجلس ملی عراق با ۲۷۵ عضو برگزار شد. به دلیل شرایط امنیتی خطرناک، کارشناسان بین‌المللی بر این انتخابات، نظارت کردند. این نظارت، بر اساس اطلاعات حاصل از ناظران عراقی انجام شد؛ مأموریت بین‌المللی برای انتخابات عراق، اعلام کرد، انتخابات «عموماً مطابق استانداردهای بین‌المللی بوده است». (۵۲) با این حال، منتقدین گفتند؛ انتخابات دارای کمبودهایی بوده و تنها یک لیست واحد در انتخابات حضور داشت. در نتیجه امکان رقابت واقعی در انتخابات وجود نداشت. بنابراین، منتقدین معتقد بودند این انتخابات، استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر را نقض کرده است. (۵۳) سایه سپاه دیگری که بر سر انتخابات سنگینی می‌کرد، حضور بسیار کم سنی‌ها در آن بود. (۵۴)



کماندویی و جوخه‌های مرگ را برای گسترش خشونت و هرج و مرج در این کشور، سازمان داده‌اند.

صدها هزار عراقی، کشته شده و تعداد بسیار زیاد دیگری مجروح و معلول شده‌اند. بیش از چهار میلیون نفر ناچار به ترک خانه‌های خود شده و بیش از دو میلیون نفر آنها، از کشور فرار کرده‌اند. فقر در حال گسترش است، بیماری و پریشانی روانی کودکان پدید می‌کند. علاوه بر این؛ سوء تغذیه نیز دائماً در حال افزایش است. در این گزارش؛ با استفاده از استنادات بسیار، نشان داده می‌شود، عراقی‌ها به شدت، در خاک خود با احداث پایگاه‌های طولانی مدت آمریکایی مخالفند و سفارت‌خانه جدید ایالات متحده در بغداد را نماد هژمونی آمریکا در کشور خود، می‌دانند. آن طور که نظرسنجی‌های پی‌درپی نشان می‌دهند، اکثریت مطلق مردم عراق، خواهان خروج نیروهای ائتلاف از کشور خود هستند. همچنین، اکثریت روزافزون مردم آمریکا و بریتانیا نیز خواهان خروج نظامیان خود از خاک عراق هستند.

بسیاری از خوانندگان، با آنچه آورده شده است، آشنایی دارند. اما خوانندگان این فصول، تصویر عمیق‌تر و کامل‌تری نسبت به آنچه پیش از آن در ذهن افراد بوده است، به دست می‌دهد. این گزارش، چشم‌اندازی از خشونت و عدم مشروعیت گسترده را توصیف می‌کند. با توجه به مستندسازی بسیاری از موارد نقض قوانین بین‌المللی، این گزارش در پی آن است تا جامعه بین‌المللی، بحران انسانی را در عراق به رسمیت شناخته و جایگزین‌هایی برای آینده این کشور، ارائه کنند. تا زمانی که اشغال عراق ادامه یابد، صلح و آرامش به این کشور باز نخواهد گشت.

#### پی‌نوشت‌ها:

- 1- White House, *Press Briefing by National Security Advisor Dr Condoleezza Rice* (April 4, 2003)
- 2- Yochi J. Dreazen and Christopher Cooper, "Behind the Scenes, US Tightens Grip on Iraq's Future" *Wall Street Journal* (May 13, 2004). Also see Bradley Graham and Robin Wright, "Aid to Iraq Ministries To Shift to Pentagon" *Washington Post* (September 26, 2005)
- 3- See Mark Phythian, *Arming Iraq: How the U.S. and Britain Secretly Built Saddam's War Machine* (Boston, 1997)
- 4- The sanctions continued for many years against the wishes of most members of the Security Council because the US and the UK could use their vetoes to block any effort to bring the sanctions regime to an end. See Global Policy Forum et al, *Iraq Sanctions: Humanitarian Options and Implications for the Future* (August, 2002)
- 5- UN Security Council Meeting 4701 on Iraq, Verbatim Transcript S/PV.4701 (February 5, 2003) p.5
- 6- See US Central Intelligence Agency, *Comprehensive Report of the Special Advisor to the DCI on Iraq's WMD* (September 30, 2004)
- 7- Richard Clarke, *Against all Enemies* (New York, 2004) Clarke was the chief counter-terrorism expert on the National Security Council in the Bush administration's early years.
- 8- Sir Christopher Meyer, *DC Confidential* (London, 2005). Meyer was the UK ambassador in Washington at the time.
- 9- "Iraq: Prime Minister's Meeting, 23 July [2002]" Secret memorandum of a meeting of senior UK civil servants and ministers at 10 Downing Street, leaked to the Sunday Times and published May 1, 2005. Its authenticity has never been disputed. See Walter Pincus, "British Intelligence 'Warned of Iraq War'" *Washington Post* (May 3, 2005)
- 10- Assessment of the British Government, *Iraq's Weapons of Mass Destruction* (September 24, 2002) and U.K. 10 Downing Street, *Iraq: Its Infrastructure of Concealment, Deception and Intimidation* (February 3, 2003)
- 11- "Powell Calls Pre-Iraq U.N. Speech a 'Blot' on his Record" *Associated Press* (September 8, 2005)
- 12- Lord Goldsmith, the chief legal officer of the UK government dissented from the self-defense argument

فرایند تدوین و تصویب قانون اساسی جدید عراق نیز دارای مشکلاتی بود و منجر به خصومت‌های فرقه‌ای بیشتری شد. قوانین مربوط به فراندوم قانون اساسی، در آخرین دقیقه پیش از آغاز فراندوم ۱۵ اکتبر ۲۰۰۵ (۲۳ مهر ۱۳۸۴)، تغییر کرده و در نتیجه احتمال تقلب بر نتایج نهایی فراندوم، سبب انداخت. (۵۵) برخلاف انتظار آرای منفی گسترده به قانون اساسی، این قانون رأی آورد. اندکی پس از تصویب نهایی قانون اساسی در فراندوم، در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ (آبان ۱۳۸۴)، انتخابات پارلمانی برگزار شد. نتیجه این انتخابات نیز باعث تقویت بلوک شیعیان و کردها در عراق، شد. در نتیجه جریان‌های سیاسی عراق، به صورت روزافزونی فرقه‌ای شده و باعث افزایش خشونت‌ها در این کشور شد. سرانجام، با تشکیل پارلمان در ابتدای سال ۲۰۰۶، امیدهای افکار عمومی عراق به انتخابات، محو شد. در پارلمان عراق، چندین ماه بحث پیرامون تشکیل دولت جدید، ادامه پیدا کرد. دولت تحت رهبری نوری المالکی، نخست‌وزیر عراق، دولتی ضعیف، فرقه‌ای و ناکارآمد در ایجاد عراقی واحد، از کار درآمد. قرارگیری سبلیک پارلمان و دولت عراق در منطقه سبز و در کنار سفارت‌خانه بزرگ ایالات متحده، نشان دهنده نقش کم رهبران سیاسی عراق در فرایندهای سیاسی این کشور بود. فساد مالی در وزارت‌خانه‌ها، نمایان شد. گروه‌های شبه‌نظامی، گسترش یافتند و اقتدار دولت عراق در داخل و خارج منطقه سبز، خالی از معنا شد.

#### چشم‌اندازی از عدم مشروعیت گسترده

در فصل‌هایی که در پی این گزارش می‌آیند، چشم‌انداز تراژیک اشغال عراق بررسی می‌شود. در این گزارش؛ با جزئیات نشان داده شد ایالات متحده؛ در عملیات نظامی، از سلاح‌های غیرمتعارف و زخم‌زا استفاده کرده‌است. بدین ترتیب، نیروهای ائتلاف، کشور عراق را نابود کرده و عوامل قتل و غارت و خشونت را در عراق فراهم کرده‌اند. در جریان این اقدامات، بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها، دانشگاه‌ها، موزه‌ها و تقریباً تمام مؤسسات ملی عراق، نابود شدند. نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا، در جریان برنامه «بازسازی» عراق، میلیاردها دلار را در نتیجه فساد، تقلب و تخلف، به باد دادند.

این گزارش نشان می‌دهد که چگونه نیروهای ائتلاف، با استفاده از نیروی نظامی گسترده، ده‌ها شهر عراق را نابود کردند. این نیروها، هزاران عراقی را برای مدت نامعلوم، بدون جرم و یا برگزاری دادگاه، در زندان نگاه‌داشته و آنها را هدف آزار و شکنجه قرار داده‌اند. سربازان ائتلاف، به صورت متداول، شهروندان عراقی را در ایست‌های بازرسی، جست‌وجوی خانه به خانه و حین عملیات نظامی، می‌کشند. علاوه بر این، این نیروها، قتل عام و جنایات زیادی در عراق، مرتکب شده‌اند. نیروهای ائتلاف، شبه‌نظامیان عراقی، واحدهای

Security, Emerging Threats, and International Relations, Committee on Government Reform, Statement of William Solis, Director Defense Capabilities and Management, *Rebuilding Iraq: Actions Still Needed to Improve the Use of Private Security Providers* (June 13, 2006)

37- Human Rights Watch, *Private Military Contractors and the Law* (May 5, 2004)

38- See Jeremy Scahill, *Blackwater* (New York, 2007) and Amnesty International USA, *Human Rights Responsibilities of Private Companies Operating in Iraq*.

39- See for instance Kenneth Katzman, "Iraq: US Efforts to Change the Regime" *Congressional Research Service* (March 22, 2002); Scott Peterson, "Kurds Ready to Be Next N. Alliance" *Christian Science Monitors* (March 28, 2002); "US Intelligence Teaming up with Kurds" *Houston Chronicle* (December 22, 2002)

40- Patrick E. Tyler, "U.S. May Let Kurds Keep Arms, Angering Shiites" *New York Times* (May 24, 2003)

41- US General Accounting Office, Report to Congressional Requesters, *State Department: Issues Affecting Funding of Iraqi National Congress Support Foundation* (April 2004)

42- Johanna McGeary, "Who Will Call the Shots?" *TIME* (April 14, 2003)

43- Knut Royce, "A Start-Up Company with Connections" *Newsday* (February 15, 2004)

44- Dana Priest and Josh White, "Before the War, CIA Reportedly Trained a Team of Iraqis to Aid US" *Washington Post* (August 3, 2005)

45- Human Rights First, *Command's Responsibility* (February 2006) p. 8. The detainee was Major General Abed Hamed Mowhoush.

46- Robert Dreyfuss, "Phoenix Rising" *The American Prospect* Volume 15, Issue 1 (January 1, 2004)

47- Michael Hirsh and John Barry, "The Salvador Option" *Newsweek* (January 14, 2005)

48- Peter Maass, "The Way of the Commandos" *New York Times Magazine* (May 1, 2005). Another important advisor who had been involved in US Latin American counter-insurgency operations was Steven Castcel.

49- The *Wall Street Journal* identified six of these units. See Greg Jaffe, "New Factor in Iraq: Irregular Brigades Fill Security Void" *Wall Street Journal* (February 16, 2005) and "Bands of Brothers New Factor in Iraq: Irregular Brigades Fill Security Void" *Wall Street Journal* (February 23, 2005). See esp. A.K. Gupta, "Let a Thousand Militias Bloom" *NYC Indymedia Center* (April 22, 2005) and A.K. Gupta, "Iraq: Militias and Civil War" *Z Magazine* (December 2006)

50- Lionel Beehner, "Iraq: Militia Groups" *Council on Foreign Relations* (June 9, 2005)

51- Michale Hirsch and John Barry, "Special Forces May Train Assassins, Kidnappers in Iraq" *Newsweek* (January 14, 2005) and Peter Maass, "The Way of the Commandos" *New York Times Magazine* (May 1, 2005)

52- Beehner, *op.cit.*

53- Between May 2003 and June 2004, CPA Administrator Paul Bremer issued 100 orders, 12 regulations, 17 memoranda and 12 public notices. See Coalition Provisional Authority website: <http://www.iraqcoalition.org>

54- Special Inspector General for Iraq Reconstruction, *Lessons in Human Capital Management* (January 2006) p. 14

55- Coalition Provisional Authority Regulation Number 6, *Governing Council of Iraq* (July 13, 2003)

56- For example, see Joel Brinkley, "Ex-C.I.A. Aides Say Iraq Leader Helped Agency in 90's Attacks" *New York Times* (June 9, 2004)

57- Raad Alkadiri and Chris Toensing, "The Iraqi Governing Council's Sectarian Hue" *Middle East Research and Information Project* (August 20, 2003)

58- UN Security Council Resolution S/RES/1546 (2004)

59- Coalition Provisional Authority Regulation Number 10, *Members of Designated Iraqi Interim Government with Annex A* (June 9, 2004)

60- Yochi J. Dreazen and Christopher Cooper, "Behind the Scenes, US Tightens Grip on Iraq's Future" *Wall Street Journal* (May 13, 2004). Also see Bradley Graham and Robin Wright, "Aid to Iraq Ministries To Shift to Pentagon" *Washington Post* (September 26, 2005)

61- Ned Parker, "Divided Iraq Has Two Spy Agencies" *Los Angeles Times* (April 15, 2007)

62- International Mission for Iraqi Elections, *Final Report Assessment of the January 30, 2005. Election Process* (2005)

63- Asian National Exchange for New Alternatives, *Open Letter to UN Secretary General Kofi Annan on the Elections in Iraq* (January 26, 2005)

64- "UN Condemns Iraq Charter Change" *BBC* (October 4, 2005)

65- For example, see Dexter Filkins, "Vote Totals Under Inquiry in 12 Iraqi Provinces, Panel Says" *New York Times* (October 17, 2005); "Iraq Vote Counts 'Points to Fraud'" *BBC* (October 18, 2005)

in his private advice to the Prime Minister (March 7, 2003), saying that only a resolution of the Security Council authorizing the use of force would make the UK military engagement legal under international law

13- Ross worked at the UK's UN Mission for four and a half years, from December 1997 until June 2002. His testimony was kept secret and only made public 30 months later after pressure from members of Parliament. See "Full Transcript of Evidence given to the Butler Inquiry, Supplementary Evidence Submitted by Mr. Carme Ross, Director, Independent Diplomat," dated June 9, 2004, published by the *Independent* (December 15, 2006). See Colin Brown and Andy McSmith, "Diplomat's Suppressed Document Lays Bare the Lies Behind Iraq War" *Independent* (December 15, 2006)

14- US Senate, 109th Congress, 2nd Session, *Report of the Select Intelligence Committee on Pastwar Findings on Iraq's WMD Programs and Links to Terrorism and How They Compare with Prewar Assessments* (September 8, 2006). A report by the Inspector General of the Department of Defense, released to the Congress on April 5, 2007, came to the same conclusion. See "Hussein-Qaeda Link 'Inappropriate,' Report Says" *Bloomberg News* (April 6, 2007)

15- White House Press Release, *Remarks by the President to the Military Personnel and Their Families Marine Corps Base Camp Lejeune, North Carolina* (April 3, 2003)

16- See Dilip Hiro, "Outside Powers," in *The Longest War* (New York, 1991) and Mark Phyllian, *Arming Iraq: How the US and Britain Secretly Built Saddam's War Machine* (Boston, 1997). Also see Human Rights Watch, *Annual Report: Iraq* (1989)

17- White House Press Release, *Iraq Coalition* (March 27, 2003)

18- 18 See for example US Department of State, Office of the Coordinator for Counterterrorism, "Patterns of Global Terrorism" (April 29, 2004); US CENTCOM, "International Contributions to the War on Terror" (January 10, 2005); Sewell Chan, "Rumsfeld Thanks Kazakhstan" *Washington Post* (February 26, 2004); [Globalsecurity.org](http://Globalsecurity.org), *Iraq Coalition Troops* (February 2007)

19- Jim Garamone, "More than 100,000 Coalition Troops in Iraq" *American Forces Press Service* (March 31, 2003)

20- See chapter three of this report: Indiscriminate and Especially Injurious Weapons.

21- The White House website notes that the Ministry of Health was "completely looted". For details on the Oil Ministry see Andras Riedlmayer, "Yes the Oil Ministry Was Guarded" *Iraq War and Archeology* (May 7, 2003)

22- See detailed information in Chapter 2 on "Destruction of Cultural Heritage."

23- Department of Defense, *News Briefing by Secretary of Defense Donald Rumsfeld and General Richard Meyers* (April 11, 2003). See Sean Loughlin, "Rumsfeld on Looting in Iraq" *CNN* (April 12, 2003)

24- See Coalition Provisional Authority, Order Number 2: *Dissolution of Entities* (May 23, 2003)

25- Toby Dodge, "Sticide in Iraq" *Le Monde Diplomatique* (February 2007)

26- See UN Security Council Resolutions S/RES/1637(2005) and S/RES/1723 (2006)

27- Maggie Farley and Richard Boudreaux, "Mexico's Envoy to UN Leaves, With Defiance" *Los Angeles Times* (November 22, 2003)

28- Private communication with former ambassadors on the Council.

29- Bremer had served in the State Department for many years and from 1989-2000 had been a Managing Director of Kissenger Associates. His biographies describe him as a counter-terrorism expert. See the bio presented by the CPA website <http://www.iraqcoalition.org/bremerbio.html>

30- See chapter nine of this report: Corruption, Fraud and Gross Financial Negligence.

31- In another incident on April 30, US forces opened fire again on a crowd, killing three and wounding sixteen. See Human Rights Watch, *Violent Response: the U.S. Army in al-Falluja* (June 17, 2003) According to HRW, Fallujan protester were also outraged that US observers posted on the high rooftop could see into the privacy of local dwellings, dishonoring the women.

32- See chapter seven of this report: Killing Civilians, Murder and Atrocities.

33- See chapter four of this report: Detention and Prisons.

34- See chapter five of this report: Prisoner Abuse and Torture.

35- Seymour Hersh, "Moving Targets" *New Yorker* (December 15, 2003). Also see Matthew B. Stannard, "Special Forces Have Scoped Iraq for Weeks" *San Francisco Chronicle* (March 21, 2003)

36- The US Government Accountability Office estimated that as of March 2006 there were approximately 181 private security companies, with over 48,000 employees working in Iraq. See US Government Accountability Office, *Testimony Before the Subcommittee on National*